

سال پانچواں علم سائنس

گفتگو

● گفتگو با مریم مافی / طویبی ساطعی

گفتگو با مریم مافی

طوبی سامعی

(مترجم رباعیات مولانا جلال‌الدین رومی)

۱۷۹

مریم مافی همانطور که خودش در گفتگویی که با او داشتیم می‌گوید از دوران کودکی و نوجوانی به شعر و ادبیات علاقمند بوده و با جدیت و پشتکار خاصی مطالعات ادبی خود را دنبال کرده است. در ادامه تحصیلاتش به آمریکا می‌رود. در رشته «جامعه‌شناسی» لیسانس می‌گیرد و در سال ۱۹۸۶ در ادامه مطالعاتش موفق به دریافت فوق‌لیسانس در زمینه «ارتباطات بین‌الملل» از دانشگاه آمریکن و جورج تاون در واشنگتن می‌شود. در عین حال به فعالیتهای ادبی و فرهنگی خود ادامه داده و با انتشارات هارپر کالینز در تدوین گلچینی ادبی از شعر عراقی همکاری داشته است:

مریم مافی همچنین مجموعه‌ایی از داستانهای سیمین دانشور را تحت عنوان «صورتخانه» به انگلیسی ترجمه کرده است:

Shimin Daneshvar, *Daneshvar's Playhouse*: A Collection of stories, Translated form the Persian by Maryam Mafi, Mage Publishers (Washington D. C., 1989), 184P.

مجموعه «صورتخانه» شامل پنج داستان: «در بازار وکیل»، «تصادف»، «صورتخانه» (از مجموعه شهری چون بهشت) و «کیدالخانین» و «به کی سلام کنم» (از مجموعه به کی سلام کنم) همچنین نوشته‌ایی که خانم دانشور به یاد همسرش جلال آل احمد با عنوان «غروب جلال» نوشته است در این کتاب آمده است. مافی همچنین به مدد کتابخانه همکاری داشته است با

مجموعه «تاریخ شفاهی ایران» در زمینه استنساخ، ویرایش و تهیه فهرس
آخرین کار وی ترجمه رباعیات مولانا است که تحت عنوان:

Rumi Whispers of the Beloved

Quatrains selected and translated by: AZIMA MELITA KOLIN and MARYAM MAFI

Thorsons publishers, London 1999

مریم مافی در حال حاضر ترجمه مجموعه‌هایی از غزلیات مولانا را در دست ترجمه دارد و
همچنین یک مجموعه از داستانهای گلی ترقی به زبان انگلیسی برگردانده است. ط. س

خانم مافی همانطور که می‌دانیم اندیشه و شعر و تفکر مولانا در دنیای امروز
بخصوص در غرب دوباره مطرح شده و حرکت می‌کند. شما چطور با این اندیشه‌ها
آشنا شدید و به فکر ترجمه سروده‌های عرفانی او افتادید؟

دلم می‌خواست می‌توانستم بگویم با شعر و حافظ و مولانا از بچگی آشنا بودم و با
آن حرکت می‌کردم و بالاخره نتیجه‌اش این شد. ولی واقعیت چیز دیگری است. من شعر
را فقط در مدرسه می‌خواندم و حفظ می‌کردم. بیشتر کارهای تازه برایم جالب بود و به
شعر کلاسیک تمایلی نداشتیم. وقتی تحصیلاتم در آمریکا تمام شده، مشغول ترجمه آثار
نویسندگان زن معاصر مثل خانم میمین دانشور و گلی ترقی شدم. حدود سنین ۲۹-۳۰
سالگی کتابی از یک فاضل انگلیسی بنام (Andrew Harvey) تحت عنوان THE WAY OF
PASSION) راجع به مولانا و اشعارش بدستم رسید. آنقدر این کتاب جذاب بود و با چنان
قلم شیوایی نوشته شده بود که مرا سرانجام متقلب کرد و آنرا بارها و بارها خواندم و هرگز
از آن جدا نشدم و بعد از گذشت ۱۰ سال و افندی هنوز هم آنرا می‌خوانم. همین کتاب مرا
به سوی عشق به عرفان و عشق به مولانا کشاند و پس از آن تصمیم گرفتم اشعار مولانا را
به زبان فارسی بخوانم. ادبیات فارسی را دویز به خودم یاد دادم. سعی کردم هر کسی را
که اطلاعی از مولانا دارد پیدا کنم و بشناسم و سئوالاتم را از او بپرسم و از آن موقع
همچنان به او نزدیک شده‌ام تا به امروز.

۱۸۰

اشعار مولانا قبلاً توسط بزرگانی چون نیکلسون ترجمه شده است و آثار
ارزنده‌ای است. آیا شما هم برای کارتان به این کارها رجوع کرده‌اید و بر این وسعتی
که امروزه در جهان همه به دنبال ترجمه اشعار او هستند و کتاب و نوار و CD فراوان
است، شما چگونه راه خود را یافتید؟

- اصولاً کارهایی که در خارج انجام می شود یا خیلی آکادمیک است یا خیلی امریکایی وار. مثلاً نیکلسون کار عظیمی روی آثار مولوی کرده و نسخه های مثنوی که الان داریم از روی تصحیح شده نیکلسون است. چون خیلی کلاسیک است، اگر تحصیلات کلاسیک نداشته باشیم بسیار سنگین خواهد بود. در امریکا هم به تازگی کتابهای مولانا بسیار ترجمه می شود. من آنها را هم در تمام ولی خوب زیاد با آن بازی شده و وقتی آنها را می خوانم اصل و ترجمه با هم مطابقت نمی کند. من هنوز هم مترجم و مولوی شناس آکسفورد یعنی Andrew Harvey را می خوانم و اصولاً چون خودش در این راه راه است آدم جالبی است. عشق مولانا را در حدت و صحیح تشریح کرده و من که ایرانی هستم کار آکادمیک را در ایران نمی توانم بکنم. می خوانم و اصل شعر را هم به فارسی می خوانم و وسعت و وسعت و وسعت

چون شما یک ایرانی آشنا هستید و شعرها را به فارسی می خوانید و بعد ترجمه می کنید. این شعرها را چگونه می خوانید؟
یعنی مفاهیمی مثل جان، معنای وجود، یکی شدن در زبان ما آشناست، شما این بار عرفانی عظیم را چگونه در یک کلمه انگلیسی می گنجانید؟

- این مفاهیم سخت ترین موارد هستند و من سعی می کنم در رابطه با هر شعر تا جایی که ممکن است راحت ترین و واضح ترین معنا را برای آنها انتخاب کنم که خارجی زبان بتواند آنها درک کند، چون اگر در این کار ظریف دقت نشود و به جای آن از اصطلاحات سنگین استفاده گردد، خواننده درک نخواهد کرد. زبان انگلیسی به اندازه فارسی غنی نیست. ما برای هر کلمه انگلیسی در فارسی ۴-۵ لغت داریم ولی من با دلم جلو رفتم و در بعضی جاها برای یک کلمه مجبور شدم از یک جمله استفاده کنم. بعضی شعرها و دیالوگها را این کردم تا مفهوم را برسانم. در این ترجمه ها من بیشتر به دنبال مفهوم بوده ام نه ترجمه لغت به لغت و دستور زبان فارسی. در ترجمه باید تمام فرهنگ بیاید تا قابل فهم باشد. مثلاً فرهنگ ۷۰۰ سال پیش برای یک جوان اروپایی قرن بیست و یکم اگر به همان شکل روایت شود قابل فهم نخواهد بود ولی اگر در ضمن اینکه ریسمان پاره نشود در قالب فرهنگ آنها ترجمه گردد، معنا را خواهد رساند. ترجمه اشعار مولانا مثل یک Puzzle با بالا و پایین یا عقب و جلو کردن ابیات، معنای خود را بدست می آورد.

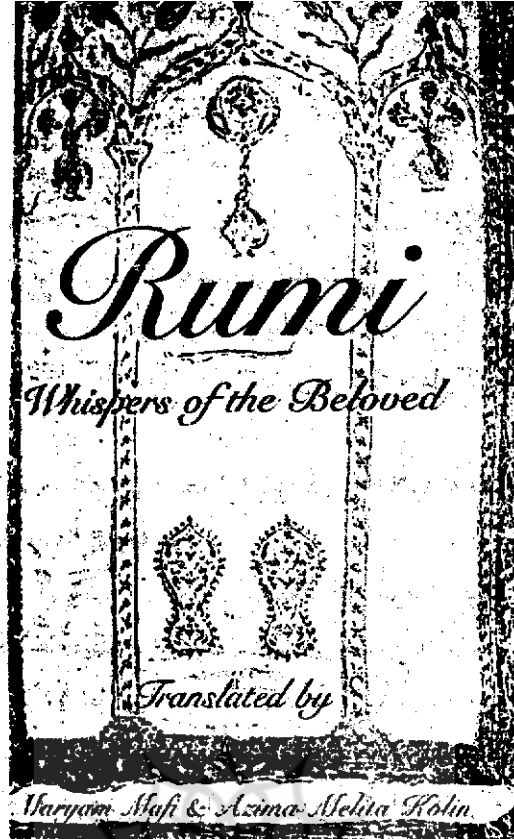
شنیده ایم شما کار مشترکی را با یک همکار خارجی شروع کرده اید. لطفاً کمی



موسیقی

راجع به این همکاری و چگونگی سازمان دهی آن صحبت بفرمایید.

— همکار من خانمی بلغاری و موزیسین است و در لندن زندگی می کند. ۲۰ سال پیش به طور اتفاقی کتابی از مولانا داشته که همیشه آنرا برای بچه هایش می خوانده است. پس از ۱۰ سال آن کتاب را دوباره پیدا می کند و می خواهد فارسی زبانی بیابد که اشعار مولانا را به فارسی برایش بخواند و او با ریتم شعرها آشنا شود. من و او هم بطور بسیار اتفاقی سر راه هم قرار گرفتیم و مدت ۲ سال در یک دوستی نزدیک مرتباً راجع به مولانا و اشعار او با هم صحبت می کردیم. زمانی با او به این فکر افتادیم که شاید بهترین راه برای فهمیدن افکار مولانا وارد شدن به این راه است و من چون کارم ترجمه بود، شروع به ترجمه اشعار کردم. چون در ترجمه کار از سطح خارج می شود. او هم چون موزیسین بود، کنسرت هایی با آهنگهای ناخ و بیتروین ترتیب داد و بعد این ترجمه ها همراه با موزیک برای دیگران اجرا شد. این کار از خانه او شروع شد و دهان به دهان گشت و حالا حدود ۵۰۰ نفر هستند که همیشه به کنسرت های ما می آیند و این اشعار زمانی توسط من و زمانی توسط دیگر علاقمندان که یا انگلیسی هستند یا امریکایی یا یونانی یا ترک و... همراه با موسیقی دکلمه می شود.



مبنای انتخاب اشعار مولانا بر چه اساسی استوار بوده و شما کدامیک از صنایع شعری او را برای ترجمه انتخاب کردید؟

— ما رباعیات مولوی را انتخاب کردیم. رباعیات او تقریباً ناشناخته است. حتی ما ایرانی‌ها فکر می‌کنیم مولانا فقط مثنوی و غزلیات را سروده و رباعیات متعلق به خیام است. در صورتی که مولانا حدود ۱۹۰۰ رباعی در پایان دیوان شمس دارد و ما برای شروع کار آنها را انتخاب کردیم. چون اولاً رباعیات کوتاه هستند و ترجمه‌اش برای خودمان راحت‌تر بود و دیگر اینکه مثنوی به علت سنگینی و دیوان شمس به علت طولانی بودن غزلیات برای جوانان مقیم خارج و انگلیسی‌زبانان سخت‌تر می‌آمد ولی رباعیات مثل جواهرات کوچکی هستند که می‌توانند به راحتی در دسترس قرار گیرند و بیشتر به دل می‌نشینند و همچنین این انتخاب تشویقی است برای جوانان که بیشتر به دنبال شناخت مولانا و آثارش بروند و بدانند که خواندن و فهمیدن اشعار احتیاجی به تحصیلات عالی و تخصصی ندارد.

با توجه به اینکه شما در انگلستان زندگی می‌کنید و با افرادی در تماس هستید که از فرهنگ ما و کار شما بدور هستند، انتقال این مفاهیم و عرفان را در نزد آنان چگونه

— خوب این سؤال سختی است. من فقط اثرات آنها در دیگران دیدم. بعضی‌ها آمدند و رفتند. بعضی گرفتار شدند. بعضی بی تفاوت گذشتند ولی فقط این را می‌دانم که هر کسی به نوعی تحت الشعاع قرار گرفت و بالاخره برای خودش معنایی پیدا کرد ولی اینکه تا چه اندازه معنای عرفان ما را می‌گیرند در هر کس متفاوت است!

ناشر شما یک ناشر انگلیسی است، آیا شما کار را قبلاً به او معرفی کردید و اساساً استقبال ناشر از کار شما چگونه بود؟

— ما هیچگاه به دنبال ناشر نرفتیم. او یک ناشر آثار عرفانی است و قبلاً نوبلی راجع به مولانا چاپ کرده و علاقمند شده بود. در مراسم معرفی کتابی، اشعار ترجمه شده‌ی ما را می‌خواندند، او کنجکاو شد و به دنبال مترجم آمد و پیشنهاد چاپ آنها خودش داد. در حقیقت ناشر خود به دنبال ما آمد و این کاری است که این روزها اتفاق نمی‌افتد. ولی خوب قرار بر این بود که خودش ما را پیدا کند و با ریسک این کار را قبول کرد و با آشنایی که با اشعار مولانا داشت احتیاجی به معرفی اثر نبود.

به نظر شما چطور می‌شود: مولانا که در محدوده‌ی زبان فارسی مطرح می‌شود، می‌تواند طیف وسیعی از انسانها را در فرهنگهای مختلف مخاطب قرار دهد؟

— ما ایرانی‌ها، ترکها و افغانها همگی مولانا را از آن خود می‌دانیم. ولی واقعیت اینست که مولانا فرافرهنگی است. افکار او در درجه‌ای است که از فرهنگ و ناسیونالیته ملی و ملیتی فراتر است. اگر ما او را فقط در چهارچوب فرهنگ ایران یا ترک یا... قرار دهیم به او خدمت نکرده‌ایم، بلکه او را کوچک کرده‌ایم.

اتفاقاً ما ایرانی‌ها مسئولیت بزرگی داریم که مولانا را به همه واگذار کنیم نه اینکه او را تنها برای خود نگه داریم. در این کار من این طرز تفکر را دارم: من شانس داشته‌ام که ایرانی و فارسی‌زبان هستم و اشعار او را به زبان خودش می‌خوانم ولی خارجی که این شانس را نداشته است، پس باید ایرانی اشعار مولوی را در دسترس آنها قرار دهد. امروزه جوانها در هر فرهنگی از همه جا بریده‌اند، از دین، از سیاست، از پدر و مادر و غیره... ولی این افکار عرفانی است که جوانها به آن گرایش پیدا کرده‌اند و کمک بزرگی به انسانهاست و تشویقی برای جوانها که دربانند برای خواندن اشعار احتیاجی به تحصیلات کلاسیک و آکادمیک نیست بلکه با ساده‌ترین روشها می‌توان به سوی عرفان

Rumi

Whispers of the Beloved

Quatrains
selected and translated by
AZIMA MELITA KOLIN
and
MARYAM MAFI



Thorsons

خانم مافی بعد از انتشار این کتاب که با موفقیت چشمگیری همراه بود، آیا مجدداً کار عرفانی دیگری را شروع خواهید کرد؟
— انشاءالله. ناشر بعد از موفقیت و چاپ مجدد کتاب، کار بعدی از ما خواسته است. کار بعدی ما هم ترجمه غزلیات شمس است و از ۱۰۰ غزل انتخابی، ترجمه ۵۰ غزل پایان یافته است و بزودی چاپ خواهد شد و آنقدر اشعار او گسترده است که فکر می‌کنم باید عمر دوباره‌ای یافت تا به ذره‌ای از دنیای او رسید.